



doi: 10.30497/rc.2025.248376.2116



Received: 2025/05/28

Accepted: 2025/07/01

Path Analysis of the Relationship Between Gender, Education Level, and Religiosity with Religious Practice and Social Happiness Among Iranian Muslims

Zahedeh Rahmania^{*}

Arefeh Riyahi^{**}

Abstract

Religion, culture, and conceptual metaphors help regulate and structure emotions by shaping the value and counter-value attributions of feelings, thereby enhancing happiness. This study examines the relationship between gender, education level, and religiosity with religious practice and social happiness among Iranian Muslims. The present study employed a descriptive-correlational survey design. A total of 398 Iranian Muslim men and women with varying levels of education participated in the study by completing the online versions of the Glock and Stark (1965) Religiosity Questionnaire, a measure of religious practice (Mabed), and a social happiness questionnaire. The findings reveal that gender, educational attainment, and adherence to religious practices have a positive and statistically significant impact on both social vitality and religious beliefs ($p < 0.05$). Furthermore, religious beliefs significantly influence social vitality, and religious practice exerts a significant effect on both education and gender ($p < .05$). The effect of religious practice on social vitality is significant when mediated by gender and moderated by education ($p < .01$), but not when mediated by religious beliefs alone ($p > .05$). Additionally, the influence of religious practice on religious beliefs is significant when mediated by education and gender ($p < .05$). However, education and gender do not significantly affect social vitality through religious beliefs ($p > .05$). Likewise, the effect of religious practice on social vitality is not significant when mediated through religious beliefs or gender/education, nor does gender significantly impact social vitality through religious beliefs ($p > .05$). In summary, religious practice appears to directly enhance social vitality by fostering social support and a sense of meaning in life. In contrast, religious beliefs may indirectly affect social vitality, primarily under the influence of moderating factors such as gender and education. Both education and gender play a role in shaping the intensity and nature of the relationship between religiosity and social vitality. Notably, holding a high school diploma strengthens this relationship, and men and women tend to achieve social vitality through distinct pathways.

Keywords: Religious practice, Social happiness, Religious beliefs, Gender, Education.

^{*} Ph.D. in sports psychology, assistant professor, Fatemeh Al-Zahra Campus, Department of Psychology and Counselling, Farhangian University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

z.rahmanian@cfu.ac.ir

0000-0002-0471-9691

^{**} Bachelor's student in educational affairs, Farhangian University, Yazd, I.R.Iran.

arfhyahy270@gmail.com

0000-0001-0383-206X

تحلیل مسیر رابطه بین جنسیت، سطح تحصیلات و دینداری با عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی در بین مسلمانان ایرانی

زاهده رحمانیان*

عارفه ریاحی**

چکیده

دین، فرهنگ و استعاره‌های مفهومی با تعیین علل ارزشی و ضدارزشی احساسات، به کنترل و سامان‌دهی احساسات و افزایش شادمانی کمک می‌کند؛ بنابراین، هدف پژوهش حاضر، تحلیل تأثیر جنسیت، تحصیلات و دینداری بر رابطه عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی در مسلمانان ایرانی است. پژوهش حاضر پیمایشی از نوع توصیفی همبستگی بود. از بین کلیه مسلمانان ایرانی ۳۹۸ زن و مرد با سطوح تحصیلی مختلف به صورت در دسترس، پرسش‌نامه برخط دینداری گلاک و استارک (۱۹۶۵)، آزمون عمل به باورهای دینی (معبد) و پرسش‌نامه نشاط اجتماعی را تکمیل کردند. یافته‌ها نشان می‌دهد که جنسیت، تحصیلات، و عمل به باور دینی تأثیر مثبت و معناداری بر نشاط اجتماعی و دینداری دارند ($p < 0/05$). همچنین، دینداری بر نشاط اجتماعی و عمل به باور دینی بر تحصیلات و جنسیت نیز تأثیر مثبت و معناداری دارد ($p < 0/05$). اثر عمل به باور دینی بر نشاط اجتماعی با میانجی‌گری جنسیت و تعدیل تحصیلات معنادار است ($p < 0/01$)؛ اما با میانجی دینداری معنادار نیست ($p > 0/05$). همچنین اثر عمل به باور دینی بر دینداری از طریق تحصیلات و جنسیت معنادار است ($p < 0/05$). با این حال، تحصیلات و جنسیت از طریق دینداری تأثیر معناداری بر نشاط اجتماعی ندارند ($p > 0/05$). همچنین، عمل به باورهای دینی از طریق دینداری یا جنسیت/تحصیلات، و نیز جنسیت از طریق دینداری تأثیر معناداری بر نشاط اجتماعی ندارد ($p > 0/05$). در نتیجه، عمل به باورهای دینی، با فراهم کردن حمایت اجتماعی و احساس معنای زندگی، به طور مستقیم باعث افزایش نشاط اجتماعی می‌شود در حالی که باورهای دینی به طور غیرمستقیم و به‌ویژه تحت تأثیر عوامل مانند جنسیت و تحصیلات می‌توانند بر نشاط اجتماعی تأثیر بگذارند. تحصیلات و جنسیت بر شدت و نوع رابطه بین دینداری و نشاط اجتماعی تأثیر دارند؛ به‌ویژه، تحصیلات در سطح دیپلم این رابطه را تقویت می‌کند و مردان و زنان نیز از راه‌های متفاوتی به نشاط اجتماعی دست می‌یابند.

واژگان کلیدی: عمل دینی، نشاط اجتماعی، باور اعتقادی، جنسیت، تحصیلات.

* دکتری روان‌شناسی، استادیار، پردیس فاطمه الزهرا(س)، گروه آموزش روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه فرهنگیان، تهران، جمهوری اسلامی ایران (نویسنده مسئول).

z.rahmanian@cfu.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی رشته امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان، یزد، جمهوری اسلامی ایران.

arfhryahy270@gmail.com

مقدمه

در جامعه ایران، آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، طلاق، خشونت و خودکشی از مسائل اساسی تلقی می‌شوند که ریشه آن‌ها در تربیت نهادینه شده است (زکی، ۱۳۹۸). تربیت از خانواده آغاز می‌شود و با نقش‌آفرینی مدرسه ادامه می‌یابد که در شکل‌گیری شخصیت فرد تأثیرگذار است (کفیلیان یزدی و دیگران، ۱۴۰۳). در این میان، توجه به شادمانی و ایجاد فضای پر نشاط می‌تواند نقش مؤثری در کاهش این آسیب‌ها و تسهیل توسعه اجتماعی ایفا کند (حسن‌زاده موروئی و دیگران، ۱۴۰۲). شادمانی احساسی بنیادین و پیچیده است که به‌طور غیرمستقیم و از طریق استعاره‌های مفهومی - ریشه‌گرفته از تجربیات بدنی یا فرهنگی - درک و بیان می‌شود (عبدی و محمدی، ۱۴۰۳). از دیدگاه وینهوون^۱ (۲۰۱۹)، نشاط اجتماعی ارزیابی ذهنی فرد از کیفیت زندگی‌اش است و در سه سطح خرد (ویژگی‌های شخصی)، میانی (نهادها) و کلان (جامعه) قابل تحلیل است. این احساس، نقشی کلیدی در ارتقاء سلامت روانی و جسمی افراد و پویایی اجتماعی دارد و با عواملی چون خوش‌بینی، امید و رضایت همراه است (کفیلیان یزدی و دیگران، ۱۴۰۳). فقدان نشاط اجتماعی به کاهش انرژی جمعی و تضعیف انگیزه برای نوآوری و پیشرفت منجر می‌شود (حسن‌زاده موروئی و دیگران، ۱۴۰۲). در سنت فلسفی و عرفانی ایران نیز نشاط و شادی جایگاهی ریشه‌دار دارد؛ زرتشت پیام‌آور شادی دانسته می‌شود و در متونی چون اوستا، شادی به‌عنوان ارزش محوری در کنار مفاهیمی چون لذت، خرد، کار، صلح و سعادت پس از مرگ مطرح شده است (شاگشتاسبی و حسن‌زاده نیری، ۱۴۰۲).

دینداری اسلامی نیز نوعی سازوکار مقابله‌ای مؤثر در برابر فشارهای روانی و تقویت‌کننده سلامت روان است (Hapsari & Darodjat, 2024). باورهای دینی با ایجاد معنا در زندگی، افزایش امنیت عاطفی و پذیرش ناکامی‌ها، احساس رضایت و آرامش را تقویت می‌کنند (همیلتون، ۱۴۰۰). مشارکت در فعالیت‌های مذهبی، از طریق تقویت سرمایه اجتماعی، به افزایش نشاط جمعی کمک می‌کند (نیازی و دیگران، ۱۴۰۲). دین، به‌عنوان یکی از ابعاد فرهنگ، ساختار احساسات را نیز متأثر می‌سازد و ارزش‌گذاری

1. Veenhoven

آن‌ها را در چهارچوب مفاهیم دینی امکان‌پذیر می‌سازد (عبدی و محمدی، ۱۴۰۳). درعین‌حال، فرهنگ و استعاره‌های مفهومی در ارتباطی دوسویه به شکل‌گیری و تفسیر یکدیگر می‌پردازند. در سنت اسلامی، دین دو مؤلفه اصلی دارد: «وحی» به‌عنوان پیام الهی، و «تدین» به‌عنوان پاسخ انسان به آن (ابطحی و رجبی، ۱۴۰۳). دین مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق و احکام است که هدایت فردی و اجتماعی انسان را هدف قرار می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۴۰۱). این سه عنصر در یک نظام منسجم، تعامل متقابل داشته و ساختار زندگی را شکل می‌دهند (طباطبایی، ۱۳۹۸). از دیدگاه جامعه‌شناختی، دینداری چندبُعدی بوده و در مدل گلاک و استارک^۲ (۱۹۶۵) شامل ابعاد اعتقادی، مناسکی، تجربی و پیامدی می‌شود؛ به‌طوری‌که ایمان، عبادت، تجربه دینی و تأثیر اجتماعی آن هرکدام نقشی در تعیین سطح دینداری دارند. باورهای دینی، به‌ویژه در مواجهه با بحران‌ها، به تقویت آرامش روانی، عقلانیت در تصمیم‌گیری و ایجاد روحیه ایشار می‌انجامند (کميجانی، ۱۴۰۲). از منظر اسلامی، نشاط اجتماعی باید در مسیر رضایت خداوند تعریف شود و تنها در صورت ارتباط با معنویت، شادی حقیقی تحقق می‌یابد. قرآن نیز میان شادی‌های حقیقی و غیرحقیقی تمایز قائل است؛ شادی حقیقی به رضایت الهی و معنویت وابسته است، درحالی‌که شادی غیرحقیقی موقتی و سطحی تلقی می‌شود (سوره توبه / آیه ۸۲؛ سوره حدید / آیه ۲۳؛ سوره یونس / آیه ۵۸؛ سوره اسراء / آیه ۳۷؛ سوره انسان / آیه ۳۰).

درنتیجه دین با تعیین علل ارزشی و ضدارزشی احساسات و از طریق ایجاد معنا بخشی و افزایش سرمایه اجتماعی، به سامان‌دهی و کنترل احساسات و افزایش شادمانی کمک می‌کند (عبدی و محمدی، ۱۴۰۳). دین همچنین با ارائه مفاهیم معنوی مانند توکل، امیدواری، و معنا بخشیدن به زندگی، به افراد کمک می‌کند تا با بحران‌ها و مشکلات زندگی بهتر کنار بیایند (کميجانی، ۱۴۰۲). درنهایت، دینداری نه‌تنها به‌عنوان مفاهیم اعتقادی بلکه به‌عنوان ابزارهای مدیریتی و امنیتی نیز باید مورد توجه قرار گیرند. تقویت دینداری در جامعه می‌تواند به افزایش تاب‌آوری، کاهش استرس، و بهبود کیفیت زندگی افراد کمک کند. ازطرف‌دیگر، فرهنگ و استعاره‌های مفهومی نیز در

شکل‌دهی به احساسات و ارزش‌های مرتبط با شادی و نشاط نقش مهمی ایفا می‌کنند (عبدی و محمدی، ۱۴۰۳). نشاط اجتماعی به‌عنوان یک احساس مثبت، نقش مهمی در سلامت فرد و جامعه دارد و با مفاهیم عمیق فلسفی و عرفانی مرتبط است (کمیجانی، ۱۴۰۲). از این رو، هدف از پژوهش حاضر، تحلیل مسیر رابطه بین جنسیت، سطح تحصیلات و دینداری با عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی در بین مسلمانان ایرانی است.

۱. مبانی نظری

مبانی نظری تربیت دینی بر رویکردهای متنوعی استوار است که هریک با درکی خاص از ماهیت دین و روش‌شناسی آن شکل گرفته‌اند. رویکرد فطرت‌گرا با تأکید بر گرایش‌های ذاتی و درونی انسان به‌سوی خداوند، دینداری را امری فطری می‌داند؛ درحالی‌که رویکرد نقل‌گرا بر پذیرش بی‌چون‌وچرای متون دینی بدون تفسیر عقلانی تأکید دارد. عقل‌گرایان، دینداری را نتیجه عقلانیت و تحلیل منطقی می‌دانند و کمال‌گرایان نیز هدف نهایی دین را رشد و بالندگی همه‌جانبه انسان در مسیر کمال الهی می‌دانند که این دیدگاه، جامع‌ترین برداشت از دینداری تلقی می‌شود (رفعتی‌اصل و رضایی، ۱۴۰۲). در پیوند با دینداری، مفهوم نشاط اجتماعی به‌عنوان یکی از پیامدهای روانی و اجتماعی آن مورد توجه نظریه‌پردازان دینی و اجتماعی قرار گرفته است. از دیدگاه نظریه‌های کارکردگرایانه و معناگرا، دین با فراهم‌سازی معنا، انسجام اجتماعی و امید درونی، به ارتقای سطح شادمانی فردی و جمعی کمک می‌کند (کوزر، ۱۴۰۰؛ همیلتون، ۱۴۰۰). درمقابل، نظریه‌های تبیینی، نقش دین را در افزایش همبستگی اجتماعی، تقویت عزت‌نفس، ارتقای امنیت روانی و تحقق عدالت اجتماعی برجسته می‌سازند (چلبی، ۱۳۸۳). در این میان، عمل به باورهای دینی، حلقه اتصال میان باور و رفتار دینی است. این عمل، نه‌تنها نمودار تعهد فرد به آموزه‌های دینی است بلکه در ساحت اجتماعی نیز منجر به بروز رفتارهای اخلاقی‌مدارانه، کمک به دیگران، رعایت عدالت و مشارکت فعال در امور جمعی می‌شود. به بیان دیگر، فرد دیندار از طریق عمل به باورهای خود، نه‌تنها به رشد معنوی شخصی می‌رسد بلکه در ارتقای نشاط و

سرمایه اجتماعی نیز مؤثر واقع می‌شود؛ بنابراین، دینداری نه فقط به مثابه یک نظام اعتقادی، بلکه به عنوان یک نهاد فرهنگی و معنایی، با ایجاد معنا، انسجام و جهت‌مندی در زندگی فردی و اجتماعی، زمینه‌ساز شکل‌گیری نشاط اجتماعی پایدار و جامعه‌ای با اخلاق و آرامش می‌گردد (رفعتی‌اصل و رضایی، ۱۴۰۲؛ چلبی، ۱۳۸۳).

۲. سابقه پژوهش

در پژوهش‌های اخیر، دینداری و سرمایه اجتماعی به عنوان عوامل مؤثر بر نشاط اجتماعی و بهزیستی روانی افراد بررسی شده‌اند. کفیلیان یزدی و همکاران (۱۴۰۳) بررسی کردند که روان‌شناسی دین نقش مؤثری در بهزیستی و شادمانی دارد و می‌تواند به افزایش سلامت روانی افراد کمک کند. همچنین، عبدی و محمدی (۱۴۰۳) نشان دادند که دین می‌تواند ساختار احساسات فرد را سامان‌دهی کند و در جهت مثبت‌سازی احساسات و کیفیت زندگی افراد مؤثر باشد. نیازی و همکاران (۱۴۰۲) نشان دادند که دینداری و عوامل فرهنگی بر سبک زندگی نشاط‌محور تأثیر دارند و سبک زندگی نشاط‌محور باعث افزایش سرمایه اجتماعی و بهبود وضعیت روان‌شناختی می‌شود. همچنین، حسن‌زاده موروئی و همکاران (۱۴۰۲) تأثیر مثبت و مستقیم سرمایه اجتماعی بر شادمانی را تأیید و اشاره کردند که سرمایه اجتماعی با افزایش شادی ارتباط مستقیمی دارد. در زمینه تحلیل احساسات دینی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که دین، به‌ویژه قرآن کریم، الگوهای متفاوتی برای مفهوم‌سازی احساسات دارد و می‌تواند به افراد در درک و سامان‌دهی احساسات کمک کند. همچنین، پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که عوامل بیرونی مانند برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تسهیلات محیطی تأثیر بیشتری بر جذب نوجوانان به مکان‌های مذهبی مانند مسجد دارند (رفعتی‌اصل و رضایی، ۱۴۰۲). یکانی‌زاد و همکاران (۱۴۰۱) نشان دادند که آموزش مثبت‌اندیشی مبتنی بر آموزه‌های دینی توانسته است شادزیستی و بهزیستی روان‌شناختی دانش‌آموزان را افزایش دهد. در مقایسه با گروه کنترل، افراد گروه آزمایش پس از دوره آموزشی، شادزیستی و بهزیستی روان‌شناختی بیشتری داشتند. مطالعه سلطانی‌بهرام و قاسم‌زاده (۱۴۰۰) نشان داد رابطه بین دینداری و شادمانی معنادار و مستقیم است. در این

پژوهش، بعد اعتقادی بیشترین همبستگی را با شادکامی داشت، درحالی‌که بعد مناسکی کمترین همبستگی را نشان می‌داد. فرشادفر (۱۳۹۸) در یک مطالعه مروری با بررسی ۱۰ مقاله علمی - پژوهشی در بازه زمانی ۱۳۸۷-۱۳۹۳ تأیید کرده است که دینداری، نگرش مذهبی و جهت‌گیری مذهبی داخلی تأثیر مثبتی بر شادکامی دارند. زکی (۱۳۹۸) با بررسی ۱۵۸ مقاله، ۱۳۲ متغیر مؤثر را شناسایی کرده که از بین آن‌ها ۴۳ متغیر اجتماعی ازجمله دینداری، سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، امنیت اجتماعی، و سبک زندگی تأثیرگذار شناخته شده‌اند.

درهمین راستا، برخی پژوهشگران بین‌المللی نیز رابطه دینداری و شادمانی را مورد بررسی قرار داده‌اند. ون‌دیک^۳ و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی نشان دادند میزان دینداری ورزشکاران با توجه به سطوح تحصیلی متخلف متفاوت است و دینداری با شادکامی و سن ورزشکار با دینداری نیز همبستگی معناداری وجود دارد. تحلیل مسیر نشان داد که سرسختی ذهنی بر شادکامی هم به صورت مستقیم و هم از طریق میانجی‌گری دینداری تأثیر دارد. اصلم و قوس^۴ (۲۰۲۴) با تحلیل داده‌های موج ۷ پیمایش ارزش‌های جهانی مشخص نمودند که دینداری اثر مثبت و معناداری بر شادکامی دارد. علاوه بر دینداری، وضعیت مالی، سلامت جسمانی و زندگی مشترک نیز به شکل معناداری با شادکامی رابطه مثبت دارند. به علاوه، دینداری می‌تواند منبعی برای معنا، امید و آرامش روانی در زندگی باشد و به طور معناداری سطح شادکامی را ارتقا دهد، به ویژه در شرایط استرس‌زا یا ناپایدار. مطالعه زاگوناری^۵ (۲۰۲۴) نشان داد هیچ نوع اخلاق دینی یا سکولاری به تنهایی بهبود هم‌زمان در سلامت و شادکامی را در همه سطوح تضمین نمی‌کند. سیاست‌های آموزشی تأثیر مشابهی بر سلامت و شادکامی در تمامی زمینه‌های دینی دارند. امیرالدین، قریب، و زیلانی^۶ (۲۰۲۱) در بررسی تأثیر معنویت اسلامی بر شادی ۵۰۰۰ شهروند مسلمان در منطقه فدرال ولگای روسیه نشان داد، معنویت اسلامی نقش مثبت و معناداری در شادی شهروندان دارد و انجام اعمال

3. Wandik

4. Aslam, Ali & Ghouse

5. Zagonari

6. Amiruddin, Qorib, & Zailani

مذهبی، یاد خدا و پایبندی به اصول معنوی اسلام، شادی پایدارتری ایجاد می‌کند و افراد را از اضطراب و افسردگی مصون می‌دارد. اتنگوف و جی لفور^۷ (۲۰۲۱) در مطالعه فراملی و فراتحلیلی نشان می‌دهند رابطه بین دینداری و پیش‌داوری‌های جنسی / جنسیتی تا حدی توسط عوامل شخصیتی - اجتماعی مانند محافظه‌کاری واسطه‌گری می‌شود. عواملی مانند اقتدارگرایی، بنیادگرایی دینی و سیاست‌های محدودکننده در جوامع مذهبی، نابرابری جنسیتی و پیش‌داوری را تقویت می‌کنند. با این حال، این نتایج اجتناب‌ناپذیر نیستند و انتخاب‌های فردی و بستر فرهنگی نقش کلیدی دارند.

در مجموع، پژوهش‌های پیشین نشان داده‌اند که دینداری اثر مثبتی (اما محدود) بر شادمانی دارد که این اثر بیشتر از طریق سازوکارهای روانی - اجتماعی مانند معنابخشی به زندگی و تقویت روابط اجتماعی رخ می‌دهد. در این میان، ابعاد اعتقادی و عاطفی دین نسبت به ابعاد مناسکی و پیامدی تأثیر بیشتری دارند. پژوهش حاضر با تمرکز بر عمل به باورهای دینی به عنوان نمود رفتاری دینداری، رویکردی نو اتخاذ کرده و با استفاده از تحلیل مسیر، رابطه مستقیم و غیرمستقیم دینداری و نشاط اجتماعی را با در نظر گرفتن متغیرهایی چون دینداری، جنسیت و تحصیلات بررسی می‌کند. این مطالعه با تلفیق دیدگاه‌های نظری و رفتاری، چهارچوبی جامع‌تر ارائه می‌دهد و با توجه به بافت فرهنگی - مذهبی ایران، خلأ موجود در مطالعات مشابه را در جوامع اسلامی پر می‌کند. از دستاوردهای مهم آن می‌توان به مدل جدیدی در تبیین رابطه دین و نشاط اجتماعی و ارائه بنیانی برای پژوهش‌های آتی در روان‌شناسی دین اشاره کرد.

۳. روش پژوهش

این مطالعه از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، توصیفی از نوع همبستگی با روش پیمایشی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان و مردان مسلمان (اعم از شیعه و سنی) ساکن ایران در سال ۱۴۰۳ معادل ۹۰ میلیون نفر بود که طبق داده‌های مرکز آمار ایران، حدود ۹۲/۵ درصد (۸۳ میلیون نفر) شیعه و حدود ۸-۱۰ درصد (۷-۹ میلیون نفر) اهل سنت هستند. با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، ۴ استان از مناطق

جغرافیایی - فرهنگی مختلف ایران (مسلمان شیعه و سنی) انتخاب شدند. روایی ابزارها با تحلیل عاملی تأییدی، و پایایی با آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی تأیید گردید. برای کنترل تعمیم‌پذیری، متغیرهای زمینه‌ای (سن، جنس، قومیت، تحصیلات) در تحلیل‌ها لحاظ شد.

با توجه به نیاز به حداقل ۵۰ نفر به‌ازای هر متغیر در پژوهش‌های توصیفی و حداقل ۲۰۰ نمونه در تحلیل مسیر (دلاور، ۱۴۰۲) و پیش‌بینی ریزش نمونه، حجم نمونه ۳۹۸ نفر تعیین شد. نمونه‌گیری به این صورت انجام شد: ۱- مرحله انتخاب استان‌ها: چهار استان کرمان، یزد، تهران و سیستان و بلوچستان به‌صورت تصادفی ساده از بین استان‌های ایران انتخاب شدند. ۲- مرحله انتخاب افراد: از هر استان، نمونه‌ها به روش در دسترس از بین مسلمانان در سطوح مختلف تحصیلی (ابتدایی تا دکتری) با رعایت ملاک‌های ورود (سن ≤ ۱۰ سال، حداقل مدرک تحصیلی ابتدایی، و خوداظهاری مسلمان بودن) انتخاب شدند. ۳- اجرای پژوهش: پرسش‌نامه‌های برخط در سال ۱۴۰۳ برای ۳۹۸ نفر ارسال و تکمیل گردید. نمونه پژوهش شامل ۷۷/۴ درصد زن (۳۰۸ نفر) و ۲۲/۶ درصد مرد (۹۰ نفر) در مقاطع تحصیلی زیر دیپلم (۹۸ نفر) ۲۴/۶ درصد، دیپلم (۴۶ نفر) ۱۱/۶ درصد، کارشناسی (۱۷۶ نفر) ۴۴/۲ درصد، کارشناسی ارشد (۵۸ نفر) ۱۴/۶ درصد و دکتری (۲۰ نفر) ۵ درصد بودند. شرکت‌کنندگان در بازه سنی ۱۰ تا ۵۲ سال قرار داشتند و میانگین سنی آن‌ها ۲۴/۳ سال بود.

ملاحظات اخلاقی: به‌منظور اطمینان دادن به شرکت‌کنندگان در مورد محرمانه ماندن پاسخ‌ها، هیچ نام یا مشخصات فردی از آنان ثبت نشد. همچنین شرایطی فراهم آمد تا پاسخ‌های خود را بدون هیچ‌گونه استرسی ارائه دهند.

ملاک‌های ورود و خروج: اعتقاد به مبانی دین اسلام (به‌صورت خوداظهاری نوع دین و مذهب پرسیده شد) و دارا بودن حداقل مدرک تحصیلی ابتدایی و سن بالای ۱۰ سال (رسیدن به بلوغ) انتخاب شدند و ملاک‌های خروج نداشتن ملاک‌های ورود بود. ابزارهای مورد استفاده عبارت‌اند از:

۱- پرسش‌نامه دینداری گلاک و استارک (۱۹۶۵): این پرسش‌نامه یک ابزار پنج‌بُعدی برای سنجش نگرش‌ها و باورهای دینی است که در کشورهای مختلف و برای

ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت استاندارد شده است. این پرسش‌نامه در پژوهش حاضر با حذف بُعد فکری (به دلیل گستردگی تبلیغات مذهبی در ایران) در چهار بُعد اصلی استفاده شده است: بُعد اعتقادی (۷ گویه؛ سنجش باورهای پایه‌ای دینی)، عاطفی (۶ گویه؛ ارزیابی احساسات و ارتباط با امر مقدس)، پیامدی (۶ گویه؛ بررسی تأثیر دین بر زندگی روزمره)، مناسکی (۷ گویه؛ اندازه‌گیری انجام اعمال دینی مانند نماز و روزه). این پرسش‌نامه طبق مقیاس لیکرت ۵ درجه (۰ تا ۴) با نمره کل ۰ تا ۱۰۴ سنجیده می‌شود و نتایج به سه دسته دینداری ضعیف (۰-۲۶)، متوسط (۲۶-۷۸)، و قوی (۷۸-۱۰۴) تقسیم می‌شود (Glock, Stark, 1965). در پژوهش سراج‌زاده (۱۳۷۴)، ضریب آلفای کرونباخ کلی پرسش‌نامه ۰,۸۳ و آلفا برای ابعاد اعتقادی (۰,۸۱)، مناسکی (۰,۸۳)، عاطفی (۰,۷۵)، پیامدی (۰,۷۲) مناسب بود و میزان روایی آن مورد تأیید بود. در پژوهش حاضر پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و پایایی ترکیبی ۰/۷۶۷ برآورد شد. تحلیل عاملی تأییدی نیز با تأیید چهار عامل شناسایی شده مطابق با مدل، نشان می‌دهد که این عوامل در مجموع ۶۰/۰۲ درصد از واریانس دینداری را تبیین می‌کنند (تأیید روایی پرسش‌نامه).

۲- آزمون عمل به باورهای دینی (معبد - فرم کوتاه ۲۵ سؤالی): این آزمون توسط گلزاری (۱۳۷۸) طراحی شده و عمل به باورهای دینی (اجرای واجبات، مستحبات، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی، توجه به اصول دینی در تصمیم‌گیری‌ها) را با ۲۵ سؤال ۵ گزینه‌ای (نمره‌گذاری ۰ تا ۴) می‌سنجد. نمره کل بین ۰ تا ۱۰۰ تفسیر می‌شود: گرایش مذهبی پایین (نمره کمتر از ۵۰) و گرایش مذهبی بالا (نمره ۵۰ و بالاتر). در پژوهش گلزاری (۱۳۷۸) میزان پایایی بازآزمایی ۰,۷۶، دونیمه‌سازی ۰,۹۱ و آلفای کرونباخ ۰,۹۴ به دست آمد. همچنین روایی محتوایی (تأیید اساتید علوم اجتماعی) و صوری - منطقی خوبی داشت. در پژوهش حاضر پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و پایایی ترکیبی ۰/۹۹۷ برآورد شد. تحلیل عاملی تأییدی نیز با تأیید دو عامل شناسایی شده مطابق با مدل، نشان می‌دهد که این عوامل در مجموع ۶۳/۴۴ درصد از واریانس عمل به باورهای دینی را تبیین می‌کنند (تأیید روایی پرسش‌نامه).

۳- پرسش‌نامه استاندارد نشاط اجتماعی زارع و امین‌پور (۱۳۹۰): این پرسش‌نامه شامل ۳۷ گویه و ۵ خرده‌مقیاس است که ابعاد زیر را ارزیابی می‌کند: رضایت از زندگی (۸ سؤال)؛ آراستگی ظاهری (۹ سؤال)؛ تعامل اجتماعی (۵ سؤال)؛ کارایی فردی (۸ سؤال)، و کمک به دیگران (۷ سؤال). نمره‌گذاری بر اساس پاسخ‌های بله / خیر انجام می‌شود. دامنه نمرات بین ۳۷ تا ۷۴ متغیر است، به‌طوری‌که نمره بالاتر نشان‌دهنده سطح شادی بیشتر است. پایایی (اعتبار) از طریق آلفای کرونباخ برای کل مقیاس: ۰,۷۷۴ و خرده‌مقیاس‌های رضایت از زندگی ۰,۷۶، آراستگی ظاهری ۰,۶۵، تعامل اجتماعی ۰,۶۷، کارایی فردی ۰,۶۰، کمک به دیگران ۰,۵۱ برآورد شده است. روایی محتوایی توسط اساتید دانشگاه علامه طباطبائی تأیید شده است (زارع و امین‌پور، ۱۳۹۰). در پژوهش حاضر پایایی پرسش‌نامه از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۴ و پایایی ترکیبی ۰/۷۹ برآورد شد. تحلیل عاملی تأییدی نیز با تأیید پنج عامل شناسایی شده مطابق با مدل، نشان می‌دهد که این عوامل در مجموع ۳۶/۶۱ درصد از واریانس نشاط اجتماعی را تبیین می‌کنند (تأیید روایی پرسش‌نامه).

۱-۳. تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

۱-۱-۳. جنسیت^۸

- تعریف نظری: ویژگی‌های زیست‌شناختی و اجتماعی که افراد را به‌عنوان زن یا مرد طبقه‌بندی می‌کند. در این پژوهش، جنسیت به‌عنوان یک متغیر زمینه‌ای بررسی می‌شود که ممکن است بر باورهای دینی، عمل به مناسک، و نشاط اجتماعی تأثیر بگذارد.

- تعریف عملیاتی: مقوله‌ای دوگانه (زن / مرد) بر اساس خوداظهاری شرکت‌کنندگان. کدگذاری: ۰ = مرد؛ ۱ = زن

۲-۱-۳. سطح تحصیلات^۹

- تعریف نظری: میزان دانش رسمی کسب‌شده توسط فرد در نظام آموزشی که می‌تواند بر درک مفاهیم دینی، تفسیر متون، و مشارکت در فعالیت‌های مذهبی تأثیر بگذارد.

8. Gender

9. Education Level

- تعریف عملیاتی: بالاترین مدرک تحصیلی اخذشده توسط شرکت‌کننده، مطابق نظام آموزشی ایران: زیر دیپلم (ابتدایی تا دیپلم ناقص)، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد، و دکتری. (کدگذاری در تحلیل: مقوله‌ای ترتیبی از ۱ تا ۵) سنجیده می‌شود.

۳-۱-۳. دینداری^{۱۰}

- تعریف نظری: پذیرش اصول اعتقادی دین اسلام (مانند وجود خدا، معاد، نبوت) که بر اساس مدل گلاک و استارک (۱۹۶۵) شامل ابعاد اعتقادی، عاطفی، پیامدی، مناسکی است و پایه‌ای برای رفتارهای دینی عمل می‌کنند.

- تعریف عملیاتی: نمره‌ای که فرد در پرسش‌نامه دینداری گلاک و استارک (۱۹۶۵) کسب می‌کند که با مقیاس لیکرت ۵ درجه (۰ = کاملاً مخالف تا ۴ = کاملاً موافق) سنجیده می‌شود.

۳-۱-۴. عمل به باورهای دینی^{۱۱}

- تعریف نظری: تجلّی عینی باورهای دینی در قالب انجام مناسک (نماز، روزه)، مشارکت در فعالیت‌های مذهبی، و تطبیق رفتارهای روزمره با آموزه‌های دینی (گلزاری، ۱۳۷۸).

- تعریف عملیاتی: نمره کل فرد در آزمون عمل به باورهای دینی (معبد - فرم کوتاه). این پرسش‌نامه ۲۵ گویه دارد و با مقیاس لیکرت ۵ درجه (۰ = هرگز تا ۴ = همیشه) سنجیده می‌شود.

۳-۱-۵. نشاط اجتماعی^{۱۲}

- تعریف نظری: حالتی روانی - اجتماعی شامل رضایت از زندگی، انرژی مثبت، مشارکت فعال در تعاملات اجتماعی، و کمک به دیگران که به ارتقای سلامت روان و انسجام جامعه منجر می‌شود (Veenhoven, 2019; زارع و امین‌پور، ۱۳۹۰).

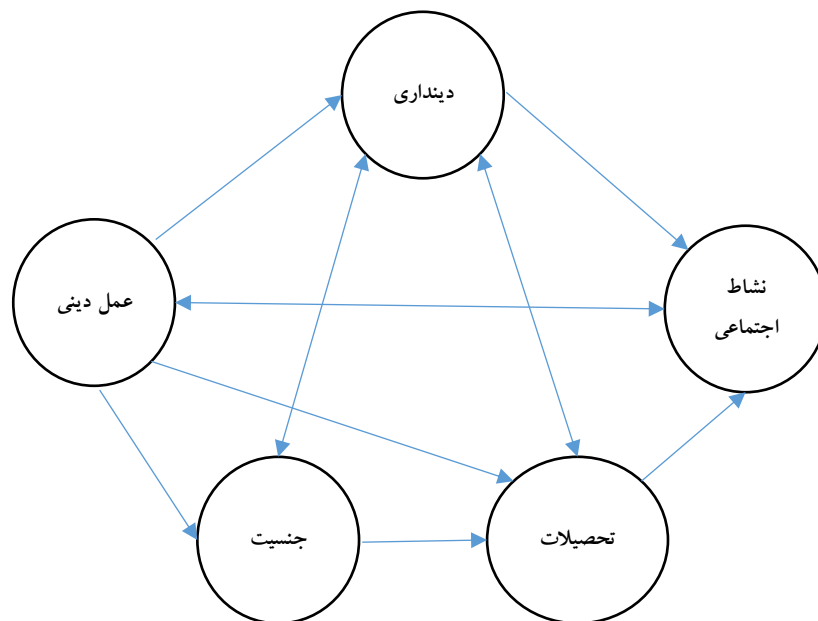
- تعریف عملیاتی: نمره کل فرد در پرسش‌نامه نشاط اجتماعی زارع و امین‌پور (۱۳۹۰) که شامل ۳۷ گویه است و با پاسخ‌های دوگانه بله / خیر سنجیده می‌شود.

10. Religious Beliefs

11. Religious Practice

12. Social Vitality

مدل مفهومی پژوهش بر پایه رویکردهای مختلف تربیت دینی شامل فطرت‌گرا، نقل‌گرا، عقل‌گرا و کمال‌گرا و همچنین نظریه‌های دینداری و نشاط اجتماعی مانند نظریه‌های کارکردگرایانه، معناگرا و تبیینی (علّی / کارکردی) تدوین شده است. این مدل با بهره‌گیری از پیشینه پژوهشی، در شکل ۱ ارائه شده است.



منبع: (ترسیم نگارنده بر اساس پیشینه و مبانی نظری، ۱۴۰۴)

شکل (۱): مدل مفهومی رابطه بین جنسیت، سطح تحصیلات و دینداری با عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی در بین مسلمانان ایرانی

در این پژوهش جهت تحلیل مسیر رابطه بین جنسیت، سطح تحصیلات و دینداری با عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی در بین مسلمانان ایرانی از شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و آزمون‌های همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه، تحلیل مسیر و معادلات ساختاری از نوع حداقل مربعات جزئی در سطح اطمینان ۹۵ درصد از طریق نرم‌افزار SPSS24، Excel2016، PLS4 استفاده شد.

۴. یافته‌ها

شاخص‌های آمار توصیفی در جدول ۱ آمده است. آزمون کلموگروف - اسمیرنوف، طبیعی بودن توزیع داده‌ها را تأیید نمود.

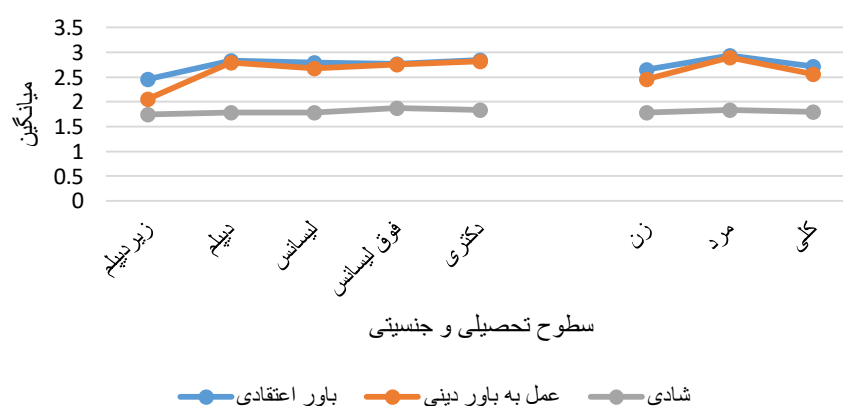
جدول (۱): شاخص‌های آمار توصیفی عمل به باورهای دینی، نشاط اجتماعی و دینداری با توجه به جنسیت و تحصیلات

[illegible]

متغیر / گروه	نوع	دینداری	اعتقادی	عاطفی	پیامدی	مناسکی	عمل به باور دینی	عملدینی	سبک دینی	نشاط اجتماعی	رضایت از زندگی	آراستگی ظاهری	تعامل اجتماعی	کارایی فردی	کمک به دیگران
	میانگین	۲/۶۵	۲/۹۹	۳/۱۲	۰/۰۴ ۲	۲/۴۸	۲/۴۶	۲/۱۰	۲/۸۱	۱/۷۸	۱/۸۵	۱/۸۱	۱/۷۲	۱/۵۷	۱/۹۶
	انحراف معیار	۰/۴۵	۰/۵۵	۰/۷۸	۰/۵۸	۰/۸۸	۰/۸۵	۰/۹۵	۰/۸۸	۰/۱۵	۰/۲۱	۰/۲۲	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۱۲
مرد	تعداد	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰	۹۰
	میانگین	۲/۹۳	۳/۲۹	۳/۴۶	۱/۹۷	۳/۰۰	۲/۹۰	۲/۶۸	۳/۱۲	۱/۸۳	۱/۹۱	۱/۸۶	۱/۸۲	۱/۵۸	۱/۹۸
	انحراف معیار	۰/۲۸	۰/۲۹	۰/۴۸	۰/۴۴	۰/۶۶	۰/۶۲	۰/۷۴	۰/۶۱	۰/۱۲	۰/۱۸	۰/۱۸	۰/۲۵	۰/۳۰	۰/۰۵
کلی	تعداد	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸	۳۹۸
	میانگین	۲/۷۱	۳/۰۶	۳/۲۰	۲/۰۰	۲/۶۰	۲/۵۶	۲/۲۳	۲/۸۸	۱/۷۹	۱/۸۶	۱/۸۲	۱/۷۴	۱/۵۷	۱/۹۶
	انحراف معیار	۰/۴۳	۰/۵۲	۰/۷۳	۰/۵۵	۰/۸۶	۰/۸۲	۰/۹۴	۰/۸۴	۰/۱۴	۰/۲۰	۰/۲۱	۰/۲۸	۰/۲۸	۰/۱۱

جدول ۱ و شکل ۲ نشان می‌دهند با افزایش سطح تحصیلات، میانگین نمرات در اغلب مؤلفه‌های دینداری، عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی افزایش می‌یابد؛ برای مثال، افراد دارای مدرک دکتری در مؤلفه‌های دینداری مانند اعتقادی (میانگین ۲/۸۴)، عاطفی (۳/۳۲) و مناسکی (۳/۰۲) نسبت به دارندگان تحصیلات زیر دیپلم (به ترتیب ۲/۴۶، ۲/۷۱، ۲/۰۶) نمرات بالاتری دارند. همچنین در شاخص‌های مرتبط با نشاط اجتماعی مانند کارایی (۱/۶۵) در دکتری در برابر ۱/۵۸ در زیر دیپلم) این روند دیده می‌شود. از منظر جنسیت نیز، مردان در بیشتر مؤلفه‌ها نسبت به زنان میانگین بالاتری دارند؛ به طور خاص، در مؤلفه عاطفی دینداری (مردان: ۳/۴۶، زنان: ۳/۱۲) و سبک زندگی دینی (مردان: ۳/۱۲، زنان: ۲/۸۱). در حوزه نشاط اجتماعی نیز مردان با میانگین‌هایی چون ۱/۹۱ در آراستگی و ۱/۹۸ در کمک، نسبت به زنان (به ترتیب ۱/۸۵ و ۱/۹۶) اندکی نمرات بالاتری دارند. در مجموع، بالاترین نمره میانگین در کل نمونه به مؤلفه عاطفی دینداری (۳/۲۰) تعلق دارد که بیانگر پیوند عاطفی قوی افراد با دین

است. در مقابل، پایین‌ترین نمرات مربوط به مؤلفه‌های مشارکتی و اجتماعی نظیر کمک به دیگران (میانگین ۱/۹۶) بوده است و نشان‌دهنده نیاز به تقویت این بُعد در جامعه می‌باشد. این نتایج گویای آن است که آموزش و تحصیلات نقش مهمی در تقویت باورها و تعاملات دینی و اجتماعی دارند و همچنین تفاوت‌های جنسیتی در نگرش و رفتارهای دینی و اجتماعی مشهود است.



شکل (۲) میانگین نشاط اجتماعی، عمل به باورهای دینی و دینداری با توجه به جنسیت و سطح تحصیلات

بر اساس نتایج تحلیل همبستگی پیرسون، رابطه‌ای معنادار میان نشاط اجتماعی و ابعاد مختلف دینداری و عمل به باور دینی مشاهده می‌شود، هرچند شدت این روابط عمدتاً در سطح ضعیف تا متوسط است. نخست، بین نشاط اجتماعی و عمل به باورهای دینی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد ($r=0/167$, $p<0/01$). این بدان معناست که هرچه میزان پایبندی فرد به اعمال دینی بیشتر باشد، احتمال برخورداری او از سطح بالاتری از نشاط اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. همچنین، دینداری نیز با نشاط اجتماعی رابطه معنادار دارد ($r=0/119$, $p<0/05$)؛ اگرچه شدت این رابطه ضعیف است؛ اما نشان می‌دهد که باور داشتن به اصول و ارزش‌های دینی می‌تواند تا حدی در افزایش نشاط نقش داشته باشد. از میان زیرمقیاس‌های دینداری، بیشترین همبستگی با نشاط اجتماعی مربوط به باور مناسبی است ($r=0/165$, $p<0/01$) که بیانگر آن است

که التزام به مناسک دینی مانند نماز و روزه با افزایش نشاط اجتماعی همراه است. باور عاطفی نیز همبستگی معناداری با نشاط دارد ($r=0/126$, $p<0/05$)؛ اما بین نشاط و باور اعتقادی ($r=0/006$) و نیز باور پیامدی ($r=-0/075$) رابطه‌ای معنادار مشاهده نمی‌شود. در حوزه زیرمقیاس‌های عملی دینداری نیز، عمل عبادی با نشاط اجتماعی همبستگی مثبت دارد ($r=0/147$, $p<0/01$) و سبک دینداری (sabk) نیز رابطه‌ای معنادار و نسبتاً قوی‌تر با نشاط نشان می‌دهد ($r=0/166$, $p<0/01$). این موضوع نشان می‌دهد که نوع دینداری و نحوه عمل فرد به آموزه‌های دینی می‌تواند در ارتقاء سطح نشاط اجتماعی مؤثر باشد. یافته‌های رگرسیون پس‌روند در جدول ۲ نشان می‌دهد نوع دینداری و عمل به باورهای دینی تأثیر متفاوتی بر نشاط اجتماعی دارد. در کل نمونه آماری، بین مؤلفه اعتقادی و نشاط اجتماعی رابطه منفی و معناداری مشاهده شد ($\beta=-0/22$, $p=0/001$). در مقابل، مؤلفه مناسکی ($\beta=0/165$, $p=0/046$) و سبک دینی ($\beta=0/187$, $p=0/034$) تأثیر مثبت و معناداری بر نشاط اجتماعی داشتند. با تفکیک جنسیت، مشخص شد که در زنان، مؤلفه اعتقادی تأثیری منفی ($\beta=-0/28$, $p=0/001$) و مؤلفه‌های مناسکی ($\beta=-0/26$, $p=0/001$) و عاطفی ($\beta=-0/16$, $p=0/045$) تأثیر مثبت و معنادار بر نشاط اجتماعی دارند. در مردان، مؤلفه‌های اعتقادی ($\beta=-0/42$, $p=0/004$)، پیامدی ($\beta=-0/27$) و مناسکی ($\beta=-0/30$, $p=0/048$) همگی رابطه منفی و معنادار با نشاط اجتماعی داشتند، درحالی‌که از بین عمل به باور دینی تنها سبک دینی تأثیری مثبت و معنادار نشان داد ($\beta=0/507$, $p=0/003$). از منظر سطح تحصیلات نیز تفاوت‌هایی مشاهده شد. در گروه زیر دیپلم، تنها مؤلفه مناسکی همبستگی نسبتاً مثبت و نزدیک به سطح معناداری داشت ($\beta=0/185$, $p=0/068$). در سطح دیپلم، مؤلفه‌های اعتقادی ($\beta=-0/407$, $p=0/009$)، پیامدی ($\beta=-0/451$, $p=0/001$) و مناسکی ($\beta=-0/327$)، تأثیر منفی و معناداری بر نشاط اجتماعی داشتند؛ اما از بین عمل به باورهای دینی تنها سبک دینی بیشترین تأثیر مثبت را نشان داد ($\beta=0/564$, $p=0/001$). در سطح کارشناسی نیز مؤلفه اعتقادی با نشاط اجتماعی رابطه منفی و معنادار داشت ($\beta=-0/507$). درحالی‌که مناسکی اثر مثبتی از خود نشان داد ($\beta=0/285$, $p=0/017$). در مقطع کارشناسی ارشد، مؤلفه اعتقادی تأثیری منفی و بسیار قوی داشت ($\beta=-0/817$).

$\beta=0/0001$ و مؤلفه عاطفی رابطه‌ای مثبت و معنادار با نشاط اجتماعی برقرار کرد ($\beta=0/794$, $p=0/0001$). در سطح دکتری، تنها مؤلفه عاطفی در تحلیل رگرسیون پس رونده باقی ماند که اگرچه همبستگی نسبتاً مثبتی داشت ($r=0/351$)؛ اما از نظر آماری معنادار نبود ($p>0/05$).

جدول (۲): روابط پیش‌بین نشاط اجتماعی از طریق عمل به باورهای دینی و دینداری و زیرمقیاس‌های آن‌ها با توجه به جنسیت و سطح تحصیلات

متغیر وابسته	متغیر مستقل	همبستگی پیرسون		خلاصه مدل رگرسیون						
		همبستگی	درجه معناداری	ضریب تعیین	F	درجه معناداری	B	بتا	T	درجه معناداری
نشاط اجتماعی	اعتقادی	۰/۲۴	۰/۰۰۱	۰/۰۵۹	۸/۱۸	۰/۰۰۰۱	۰/۰۶	-۰/۲۲	-۳/۳۱	۰/۰۰۱
	مناسکی							۰/۱۶۵	۲/۰۰۴	۰/۰۴۶
	سبک دینی							۰/۱۸۷	۲/۱۲	۰/۰۳۴
نشاط اجتماعی	اعتقادی	۰/۲۷	۰/۰۰۰۱	۰/۰۷۴	۸/۰۶	۰/۰۰۰۱	۰/۰۷	-۰/۲۸	-۳/۵۹	۰/۰۰۰۱
	عاطفی							۰/۱۶	۲/۰۱۶	۰/۰۴۵
	مناسکی							۰/۲۶	۳/۵۵	۰/۰۰۰۱
نشاط اجتماعی	اعتقادی	۰/۴۲	۰/۰۰۲	۰/۱۷۵	۴/۵۲	۰/۰۰۲	۰/۱۷	-۰/۴۲	-۲/۹۸	۰/۰۰۴
	پیامدی							-۰/۲۷	-۲/۳۸	۰/۰۰۲
	مناسکی							-۰/۰۵۳	-۲/۰۰۹	۰/۰۴۸
	سبک دینی							۰/۰۹۷	۳/۰۳	۰/۰۰۳
نشاط اجتماعی	مناسکی	۰/۱۸۵	۰/۰۳۴	۰/۰۵۴	۳/۳۹۹	۰/۰۶۸	۰/۰۳۳	۰/۱۸۵	۱/۸۴	۰/۰۶۸
نشاط اجتماعی	اعتقادی	۰/۶۱۸	۰/۰۰۰۱	۰/۳۸	۶/۳۲	۰/۰۰۰۱	۰/۰۸۵	-۰/۴۰۷	-۲/۷۶	۰/۰۰۹
	پیامدی							-۰/۴۵۱	-۳/۵۱۷	۰/۰۰۱
	مناسکی							-۰/۰۵۴	-۰/۳۲۷	۰/۰۳۱
	سبک دینی							۰/۰۸۳	۰/۵۶۴	۳/۴۱۴

متغیر وابسته	متغیر مستقل	همبستگی پیرسون		خلاصه مدل رگرسیون					
		همبستگی	درجه معناداری	ضریب تعیین	F	درجه معناداری	B	بتا	T
درجه معناداری	درجه معناداری	درجه معناداری	درجه معناداری	درجه معناداری	درجه معناداری	درجه معناداری	درجه معناداری	درجه معناداری	درجه معناداری
کارشناسی	اعتقادی	۰/۳۳۶	۰/۰۰۰۱	۰/۱۱۳	۵/۴۵۸	۰/۰۰۰۱	۰/۱۵۴	۰/۵۰۷	۴/۱۶
	پیامدی						۰/۰۴۱	۰/۱۴۹	۱/۸۶۲
	مناسکی						۰/۰۵۲	۰/۲۸۵	۲/۴۰۱
	سبک دینی						۰/۰۴۴	۰/۲۳۸	۱/۸۶۳
کارشناسی ارشد	اعتقادی	۰/۴۳۳	۰/۰۰۳	۰/۱۸۸	۶/۳۵	۰/۰۰۳	۰/۰۸۹	۰/۸۱۷	۳/۴۸
	عاطفی						۰/۰۷۸	۰/۷۹۴	۳/۳۸
کارشناسی دکتری	عاطفی	۰/۳۵۱	۰/۱۳	۰/۱۲۳	۲/۵۲	۰/۱۳	۰/۰۷	۰/۳۵۱	۱/۵۹

در راستای نتایج رگرسیون از طریق نرم‌افزار PLS به بررسی معادلات ساختاری از نوع تحلیل مسیر پیش‌بینی نشاط اجتماعی از طریق عمل به باور دینی با میانجی دینداری و توجه به تأثیر جنسیت و تحصیلات در این رابطه پرداختیم. در مدل پیشنهادی اولیه تأثیر خرده‌مقیاس‌های عاطفی، پیامدی، مناسکی در دینداری، خرده‌مقیاس عمل دینی در متغیر عمل به باور دینی و خرده‌مقیاس‌های رضایت، آراستگی و نشاط اجتماعی کلی در مدل معنادار نشد و در نتیجه این مسیرها در مدل نهایی حذف گردید (جهت اختصار از آوردن تحلیل‌های اولیه خودداری شد). با توجه به از آنجاکه شاخص نسبت هتروتریت - مونوتریت (HTMT) در تمام مسیرهای سازه‌های مورد بررسی کوچک‌تر از ۱ است، نشان می‌دهد مدل از اعتبار ممیز برخوردار است (جدول ۴). با توجه به آزمون t ضرایب مسیر می‌توان گفت در تمام مسیرها اثرات معنادار است ($p < ۰/۰۵$). به عبارت دیگر، اثر جنسیت، تحصیلات، و عمل به باور دینی بر نشاط اجتماعی و دینداری مثبت و معنادار است ($p < ۰/۰۵$). همچنین اثر دینداری بر نشاط اجتماعی و اثر عمل به باور دینی بر تحصیلات و جنسیت نیز مثبت و معنادار است ($p < ۰/۰۵$). بیشترین قدرت اثر مربوط به تأثیر تحصیلات بر نشاط

اجتماعی ($t=7/42$) و عمل به باور دینی بر تحصیلات ($t=6/27$) بود ($p<0.001$). اثرات غیرمستقیم عمل به باور دینی بر نشاط اجتماعی با توجه به جنسیت و تحصیلات در جدول ۵ آمده است.

۳ مشاهده می‌شود نسبت کای اسکور به درجه آزادی (χ^2/df) کمتر از ۵ قرار دارد، شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR) در حد ۰/۱ است و شاخص برازش هنجار شده (NFI) بیشتر از ۰/۷ است که همگی در سطوح مطلوبی قرار دارند و نشان از تأیید مدل دارد. همچنین معیار کلی برای روش حداقل مربعات جزئی نیکویی برازش (Gof) نام دارد که از فرمول زیر به دست می‌آید:

$$GOF = \sqrt{AVE * R^2}$$

$$GOF = \sqrt{.623 * .045} = .167 \text{ نیکویی برازش دینداری:}$$

$$GOF = \sqrt{1 * .058} = .241 \text{ نیکویی برازش تحصیلات:}$$

$$GOF = \sqrt{1 * .007} = .084 \text{ نیکویی برازش جنسیت:}$$

$$GOF = \sqrt{.367 * .138} = .071 \text{ نیکویی برازش نشاط اجتماعی:}$$

$$GOF = \sqrt{.994 * .063} = .250 \text{ نیکویی برازش عمل به باور دینی:}$$

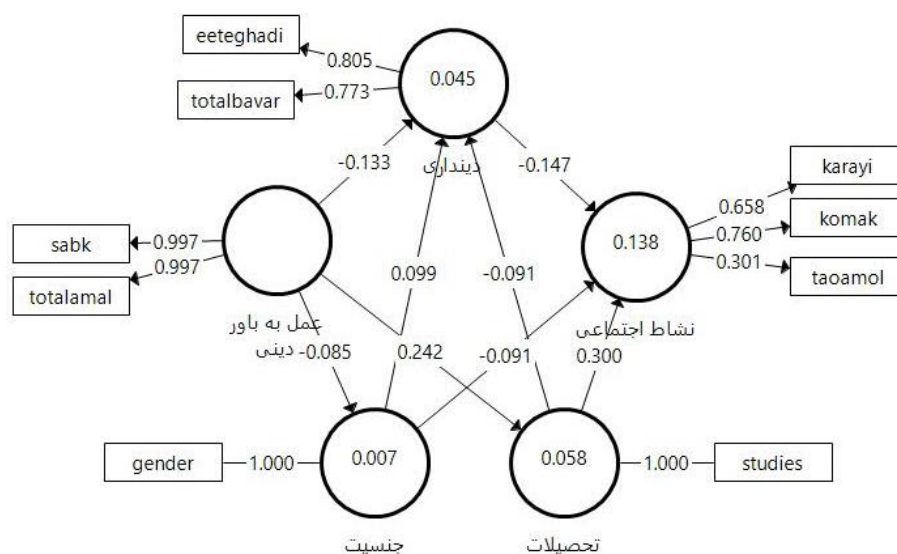
باتوجه به تعریف مقادیر ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای شاخص نیکویی برازش، حاصل شدن مقدار ۰/۲۵ برای عمل به باور دینی نشان از برازش متوسط و مقدار ۰/۲۴، ۰/۰۸۴، ۰/۱۶۷ و ۰/۰۷۱ برای تحصیلات، جنسیت، دینداری و نشاط اجتماعی نشان از برازش کم ولی مطلوب مدل دارد. شاخص‌های برازش در سطح قابل قبول بود و روایی مدل تأیید شد. همچنین، پایایی مدل با استفاده از پایایی ترکیبی بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۹ برآورد و تأیید شد.

جدول (۳): شاخص‌های برازش مدل ارتباطی پژوهش

شاخص برازش هنجار شده (NFI)	شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده (SRMR)	نسبت کای اسکور به درجه آزادی (χ^2/df)
۰/۷۰۳	۰/۱	*۲/۴۳۹

* $p<0.01$

همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود عمل به باورهای دینی از طریق دینداری بر میزان نشاط اجتماعی اثر می‌گذارد. به علاوه، جنسیت و تحصیلات نیز در این رابطه نقش میانجی‌کننده را بازی می‌کنند.



شکل (۳): تحلیل مسیر رابطه بین جنسیت، سطح تحصیلات و دینداری با عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی در بین مسلمانان ایرانی

از آنجاکه شاخص نسبت هتروتریت - مونوتریت^{۱۳} (HTMT) در تمام مسیرهای سازه‌های مورد بررسی کوچک‌تر از ۱ است، نشان می‌دهد مدل از اعتبار ممیز برخوردار است (جدول ۴). با توجه به آزمون *t* ضرایب مسیر می‌توان گفت در تمام مسیرها اثرات معنادار است ($p < 0.05$). به عبارت دیگر، اثر جنسیت، تحصیلات، و عمل به باور دینی بر نشاط اجتماعی و دینداری مثبت و معنادار است ($p < 0.05$). همچنین اثر دینداری بر نشاط اجتماعی و اثر عمل به باور دینی بر تحصیلات و جنسیت نیز مثبت و معنادار است ($p < 0.05$). بیشترین قدرت اثر مربوط به تأثیر تحصیلات بر نشاط اجتماعی ($t = 7.42$) و عمل به باور دینی بر تحصیلات ($t = 6.27$) بود ($p < 0.001$). اثرات غیرمستقیم عمل به باور دینی بر نشاط اجتماعی با توجه به جنسیت و تحصیلات در

13. Heterotrait-Monotrait Ratio

جدول ۵ آمده است.

جدول (۴): اثرهای مستقیم در تحلیل مسیر مدل ساختاری

جهت مسیر بین متغیرها	HTMT	مقدار t	سطح معناداری
دینداری -> نشاط اجتماعی	۰/۶۲۶	۳/۰۲۶	۰/۰۰۱
تحصیلات -> دینداری	۰/۲۰۷	۱/۸۷۲	۰/۰۳۱
تحصیلات -> نشاط اجتماعی	۰/۷۶۰	۷/۴۱۸	۰/۰۰۰۱
جنسیت -> دینداری	۰/۱۸۷	۲/۰۴۹	۰/۰۲۱
جنسیت -> نشاط اجتماعی	۰/۲۹۵	۳/۱۸۹	۰/۰۰۱
عمل به باور دینی -> دینداری	۰/۲۵۸	۲/۳۰۹	۰/۰۱۱
عمل به باور دینی -> تحصیلات	۰/۲۴۳	۶/۲۷۳	۰/۰۰۰۱
عمل به باور دینی -> جنسیت	۰/۰۸۵	۵/۷۳۷	۰/۰۰۰۱
عمل به باور دینی -> نشاط اجتماعی	۰/۴۵۲	۴/۴۷۱	۰/۰۰۰۱

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود اثر عمل به باور دینی بر نشاط اجتماعی با میانجی تحصیلات و جنسیت معنادار بود ($p < ۰/۰۱$) ولی این اثر با میانجی دینداری غیرمعنادار است ($p > ۰/۰۵$). به علاوه، اثر عمل به باور دینی بر دینداری با میانجی تحصیلات و جنسیت نیز معنادار بود ($p < ۰/۰۵$). با این حال، تحصیلات و جنسیت بر نشاط اجتماعی با میانجی دینداری معنادار نشد ($p > ۰/۰۵$). همچنین عمل به باورهای دینی بر نشاط اجتماعی با میانجی دینداری و جنسیت / تحصیلات نیز معنادار نشد ($p > ۰/۰۵$). جنسیت نیز بر نشاط اجتماعی با میانجی دینداری اثری ندارد ($p > ۰/۰۵$).

جدول (۵): اثرهای غیرمستقیم در روابط عمل به باور دینی، دینداری، و نشاط اجتماعی با

تحصیلات و جنسیت

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	متغیر وابسته	مقدار t	درجه معناداری sig
عمل به باور دینی	< تحصیلات	< دینداری		۱/۷۸۱	۰/۰۳۸
عمل به باور دینی	< جنسیت	< دینداری		۱/۸۸۱	۰/۰۳۰
تحصیلات	< دینداری	< نشاط اجتماعی		۱/۵۳۶	۰/۰۶۳

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	متغیر وابسته	مقدار t	درجه معناداری sig
عمل به باور دینی <	تحصیلات <	دینداری <	نشاط اجتماعی <	۱/۴۷۲	۰/۰۷۱
جنسیت <	دینداری <	نشاط اجتماعی <		۱/۵۰۹	۰/۰۶۶
عمل به باور دینی <	جنسیت <	دینداری <	نشاط اجتماعی <	۱/۴۳۰	۰/۰۷۷
عمل به باور دینی <	دینداری <	نشاط اجتماعی <		۱/۳۹۹	۰/۰۸۱
عمل به باور دینی <	تحصیلات <	نشاط اجتماعی <		۴/۵۰۱	۰/۰۰۰۱
عمل به باور دینی <	جنسیت <	نشاط اجتماعی <		۲/۵۳۴	۰/۰۰۶

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی رابطه بین عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی، با توجه به نقش میانجی دینداری، جنسیت و سطح تحصیلات در میان مسلمانان ایرانی انجام شد. یافته‌ها نشان داد بین دینداری، عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. به گونه‌ای که نشاط اجتماعی بیش از همه تحت تأثیر جنبه‌های رفتاری و مناسکی دینداری است، در حالی که باورهای صرفاً ذهنی یا پیامدگرایانه تأثیر چندانی در آن ندارند. این نتایج با بخشی از مطالعات کفیلیان یزدی و همکاران (۱۴۰۳) و سلطانی‌بهرام و قاسم‌زاده (۱۴۰۰) همسوست و از طریق ترکیبی از عوامل ایجاد معنا و هدف، حمایت اجتماعی، راهکارهای مقابله‌ای، تنظیم رفتار اخلاقی، و احساس امنیت قابل تبیین است (عبدی و محمدی، ۱۴۰۳؛ کميجانی، ۱۴۰۲). این یافته‌ها تأکید می‌کنند که عمل دینی مستمر و سبک دینداری مثبت و متعادل، بیش از باورهای نظری، در افزایش نشاط و سرزندگی اجتماعی نقش دارند. به علاوه، یافته‌های پژوهش نشان داد که جنسیت، تحصیلات و عمل به باور دینی تأثیر مثبت و معناداری بر نشاط اجتماعی و دینداری دارند. به گونه‌ای که دینداری مبتنی بر اعتقادات صرف در بیشتر گروه‌ها با کاهش نشاط اجتماعی همراه است. در مقابل، مناسک دینی و دینداری عاطفی به ویژه در میان زنان و سطوح تحصیلی پایین‌تر، رابطه‌ای مثبت با نشاط اجتماعی دارند. همچنین، سبک دینی از مؤلفه‌های عمل به باور دینی، در بیشتر موارد، بیشترین تأثیر مثبت را بر نشاط اجتماعی نشان داده است. این مطلب همسو با بخشی از نتایج

پژوهش حسن‌زاده موروثی و همکاران (۱۴۰۲) است. زنان و مردان به دلیل تفاوت‌های زیستی، فرهنگی و اجتماعی، نشاط اجتماعی را به شکل‌های متفاوتی تجربه می‌کنند؛ زنان معمولاً با بیان احساسات و جستجوی حمایت اجتماعی، احساس نشاط اجتماعی بیشتری دارند (فرهمنده و شریفی‌نیا، ۱۴۰۱). همچنین، تحصیلات بالاتر با فرصت‌های شغلی بهتر، درآمد بیشتر و رضایت از زندگی همراه است که به افزایش نشاط اجتماعی منجر می‌شود (صادقی یارندی و دیگران، ۱۴۰۱). باورهای دینی نیز از طریق ایجاد احساس تعلق، معنا بخشیدن به زندگی و کاهش استرس، نشاط اجتماعی را تقویت می‌کنند (عبدی و محمدی، ۱۴۰۳). این نتایج حاکی از آن است که نوع نگرش و شیوه عمل به باورهای دینی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش یا کاهش نشاط اجتماعی ایفا کند و این عوامل در تعامل با یکدیگر، به شکل پیچیده‌ای بر سطح نشاط اجتماعی و دینداری افراد تأثیر می‌گذارند.

پژوهش حاضر نشان داد که دینداری تأثیر مثبت و معناداری بر نشاط اجتماعی دارند و عمل به باور دینی نیز بر تحصیلات و جنسیت اثرگذار است. بیشترین تأثیر مربوط به نقش تحصیلات در افزایش نشاط اجتماعی و تأثیر عمل به باور دینی بر تحصیلات بود. این مطلب همسو با نتایج نیازی و همکاران (۱۴۰۲) است. طبق نظریه‌های کارکردگرایانه و معناگرا، دینداری با ایجاد احساس هدفمندی، امید و آرامش، سطح نشاط اجتماعی را افزایش می‌دهند و به مقابله با چالش‌های زندگی کمک می‌کنند (کوزر، ۱۴۰۰؛ همیلتون، ۱۴۰۰). همچنین، عمل به باورهای دینی می‌تواند موجب تقویت انضباط شخصی و مسئولیت‌پذیری شود که به موفقیت تحصیلی می‌انجامد (کمبجانی، ۱۴۰۲). تحصیلات با فراهم کردن فرصت‌های شغلی بهتر، درآمد بالاتر و مهارت‌های حل مسئله (صادقی یارندی و دیگران، ۱۴۰۱)، تأثیر مستقیمی بر نشاط اجتماعی دارد. علاوه بر این، جنسیت بر نحوه تجربه باورهای دینی، تحصیلات و نشاط اجتماعی اثرگذار است. این روابط نشان می‌دهند که دینداری و عمل به آن‌ها می‌توانند به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر نشاط اجتماعی و موفقیت تحصیلی تأثیر بگذارند.

پژوهش حاضر نشان داد که تأثیر عمل به باور دینی بر دینداری، با میانجی‌گری تحصیلات و جنسیت، معنادار است. این یافته با بخشی از نتایج نیازی و همکاران

(۱۴۰۲) همسو است. تحصیلات با آشنا کردن افراد با دیدگاه‌های متنوع و تقویت تفکر انتقادی، می‌تواند به بازنگری در باورهای دینی منجر شود؛ به‌طوری‌که تحصیلات بالاتر ممکن است باعث درک عمیق‌تر و تقویت ایمان شود. همچنین، تفاوت‌های جنسیتی در گرایش به دینداری ناشی از عوامل اجتماعی و تربیتی است، به‌گونه‌ای که زنان معمولاً پایبندی بیشتری به مناسک مذهبی دارند (نیازی و دیگران، ۱۴۰۲)؛ بنابراین، میزان تحصیلات و جنسیت می‌توانند به‌عنوان عوامل تعدیل‌کننده، نحوه درونی‌سازی و پایبندی به باورهای دینی را تحت تأثیر قرار دهند. با این حال، نتایج نشان داد که تأثیر تحصیلات و جنسیت بر نشاط اجتماعی از طریق دینداری معنادار نیست. تحصیلات مستقیماً بر نشاط اجتماعی تأثیر می‌گذارد؛ زیرا با بهبود وضعیت اقتصادی، اشتغال، سبک زندگی و آگاهی همراه است (صادقی یاروندی و دیگران، ۱۴۰۱). جنسیت نیز به دلیل تفاوت‌های زیستی، اجتماعی و فرهنگی (فرهمنند و شریفی‌نیا، ۱۴۰۱)، بدون وابستگی به باورهای دینی، بر سطح نشاط اجتماعی اثر دارد. برخی افراد ممکن است از طریق باورهای دینی آرامش و نشاط اجتماعی بیابند، درحالی‌که برای برخی دیگر، الزامات مذهبی می‌تواند استرس‌زا باشد. همچنین، دینداری می‌تواند مستقیماً بر نشاط اجتماعی تأثیر بگذارد؛ اما این تأثیر لزوماً به تحصیلات یا جنسیت وابسته نیست. به‌طور کلی، نشاط اجتماعی بیشتر تحت تأثیر عوامل مستقیم مانند وضعیت اقتصادی، مهارت‌های زندگی و تفاوت‌های اجتماعی - روان‌شناختی ناشی از جنسیت است تا باورهای دینی.

نتایج نشان داد عمل به باورهای دینی تأثیر مستقیمی بر نشاط اجتماعی دارد و این اثر نیازی به واسطه‌هایی مانند دینداری، جنسیت یا تحصیلات ندارد. همچنین، جنسیت از طریق دینداری بر نشاط اجتماعی تأثیری ندارد. انجام اعمال دینی مانند نماز و دعا می‌تواند به‌طور مستقیم موجب آرامش، احساس تعلق اجتماعی و امید شود. این مطلب هم‌راستا با پژوهش سلطانی‌بهرام و قاسم‌زاده (۱۴۰۰) است. علاوه بر این، سبک نشاط اجتماعی و کیفیت نشاط اجتماعی هر کسی به باورها و ارزش‌های پذیرفته شده او بستگی دارد. کسی که جهان را جهانی مادی می‌داند و اعتقادی به خدا و معاد ندارد، طبیعتاً نمی‌تواند تصور روشنی از نشاط اجتماعی‌های معنوی و نشاط اجتماعی انس با

خدا و لذت گفتگو و مناجات با خدا داشته باشد و حتی ممکن است چنین اموری را به تمسخر بگیرد (سوره زمر/ آیه ۴۵)؛ اما کسانی که به خدا و معاد باور دارند طبیعتاً نشاط اجتماعی‌ها و لذت‌هایشان منحصر در نشاط اجتماعی‌ها و لذت‌های مادی و دنیوی نخواهد بود. اینان زمانی که بشارت‌های الهی را می‌شنوند و نعمت‌های بهشتی و لذت‌های اخروی را یاد می‌کنند، سرور و نشاط وصف‌ناپذیری به آنان دست می‌دهد (مجلسی، ۱۳۹۸، ج ۹۱، ص. ۱۵۱). همچنین، تحصیلات می‌تواند بر نحوه تجربه دین تأثیر بگذارد؛ اما این تأثیر لزوماً به نشاط اجتماعی مرتبط نیست؛ افراد تحصیل کرده ممکن است نگاه عقلانی‌تری به دین داشته باشند، درحالی‌که افراد با تحصیلات کمتر ممکن است رویکرد سنتی‌تری اتخاذ کنند؛ اما هیچ‌یک از این رویکردها به‌طور قطعی سطح نشاط اجتماعی را تعیین نمی‌کنند. به‌علاوه، نقش‌های اجتماعی و خانوادگی ممکن است تأثیر بیشتری از جنسیت بر نشاط اجتماعی داشته باشند (فرهمنند و شریفی‌نیا، ۱۴۰۱). درمجموع، تأثیر دینداری بر نشاط اجتماعی بیشتر از طریق عواملی مانند حمایت اجتماعی، احساس تعلق و معنا در زندگی صورت می‌گیرد، نه صرفاً باورهای دینی.

نتایج نشان داد که عمل به باور دینی می‌تواند مستقیماً نشاط اجتماعی را پیش‌بینی کند، درحالی‌که باور اعتقادی باوجود ارتباط معنادار با نشاط اجتماعی، توان پیش‌بینی آن را ندارد. بخشی از این مطلب با نتایج پژوهش سلطانی‌بهرام و قاسم‌زاده (۱۴۰۰) همسو است. تفاوت میان باور دینی عملی و باور اعتقادی ذهنی در تأثیر آن‌ها بر نشاط اجتماعی نهفته است. عمل به باورهای دینی مانند نماز و حضور در مراسم مذهبی، به‌واسطه ایجاد احساس آرامش، تعلق اجتماعی و حمایت معنوی، تأثیر مثبتی بر نشاط اجتماعی دارد (همیلتون، ۱۴۰۰؛ زکی، ۱۳۹۸). درمقابل، باور اعتقادی صرف که جنبه‌ای درونی و ذهنی دارد، در صورتی‌که به عمل نینجامد، نمی‌تواند چنین تأثیری داشته باشد. همچنین نوع نشاط اجتماعی تجربه‌شده وابسته به نظام ارزشی افراد است؛ افراد دین‌باور از ارتباط با خدا و امید به آخرت، نشاطی عمیق‌تر تجربه می‌کنند (مجلسی، ۱۳۹۸؛ سوره زمر، آیه ۴۵)، درحالی‌که مادی‌گرایان چنین تجربه‌ای ندارند. درنتیجه، باور اعتقادی به‌تنهایی پیش‌بینی‌کننده قابل‌اعتمادی برای نشاط اجتماعی نیست؛ اما عمل دینی

به واسطه ابعاد اجتماعی و تجربی خود، می‌تواند نقش مؤثری در افزایش نشاط اجتماعی ایفا کند.

نتایج پژوهش نشان داد که دینداری نقش میانجی معناداری بین عمل دینی و نشاط اجتماعی ایفا نمی‌کنند (رد فرضیه اول). این بدان معناست که اعمال دینی همچون نماز، دعا و حضور در مناسک مذهبی، به‌طور مستقیم و مستقل بر نشاط اجتماعی تأثیر می‌گذارند، بدون نیاز به واسطه‌ای چون باور اعتقادی (سلطانی‌بهرام و قاسم‌زاده، ۱۴۰۰). علت این امر در ابعاد اجتماعی و حمایتی اعمال دینی نهفته است که منجر به افزایش نشاط می‌شوند (کوزر، ۱۴۰۰؛ همیلتون، ۱۴۰۰). درمقابل، دینداری عمدتاً ذهنی و درونی هستند و گاهی حتی به دلیل احساس گناه یا ترس دینی، ممکن است اثر منفی یا متناقضی بر نشاط اجتماعی داشته باشند. به علاوه، ممکن است برخی افراد بدون باور عمیق اما به دلیل عرف یا فشار اجتماعی، به انجام اعمال دینی بپردازند و همچنان از مزایای روانی آن بهره‌مند شوند (رفعتی اصل و رضایی، ۱۴۰۲). این ناهمگونی در تجربه و تأثیر دینداری، باعث می‌شود که آن‌ها میانجی مؤثری بین عمل دینی و نشاط اجتماعی نباشند. درمقابل، عمل دینی، با فراهم کردن ارتباطات اجتماعی، تعامل و حمایت هم‌فکران، به صورت مستقیم موجب افزایش نشاط اجتماعی می‌شود (نیازی و دیگران، ۱۴۰۲)؛ بنابراین، تأثیر عمل دینی بر نشاط اجتماعی، مستقل از دینداری و قوی‌تر از آن‌هاست.

یافته‌های پژوهش نشان داد که میزان دینداری و عمل به باورهای دینی در مردان بیش از زنان است. درحالی‌که در زنان رابطه‌ای معنادار میان دینداری و نشاط اجتماعی وجود دارد، این متغیرها توان پیش‌بینی نشاط اجتماعی را ندارند؛ اما در مردان، عمل به باورهای دینی تأثیر مثبت و دینداری تأثیر منفی بر نشاط اجتماعی دارند و می‌توانند آن را پیش‌بینی کنند. این تفاوت‌ها به نقش‌ها و نگرش‌های دینی جنسیتی بازمی‌گردد. مردان از طریق مشارکت فعال‌تر در اعمال دینی، معنا، نظم و حس تعلق بیشتری تجربه می‌کنند که باعث افزایش نشاط اجتماعی آن‌ها می‌شود (رفعتی اصل و رضایی، ۱۴۰۲). درعین حال، در مردانی که اعتقادات مذهبی قوی دارند؛ اما در عمل ناتوان هستند، تضاد شناختی، احساس گناه و فشار روانی می‌تواند به کاهش نشاط اجتماعی منجر شود. در

زنان، نشاط اجتماعی بیشتر به روابط خانوادگی و حمایت اجتماعی وابسته است (Brakus & et al., 2022) و دینداری بیشتر با احساسات، آرامش و امید پیوند دارد (Etengoff & Lefevor, 2021)؛ بنابراین، جنسیت نقش میانجی و تعدیل‌کننده‌ای در رابطه بین عمل به باور دینی و نشاط اجتماعی دارد (تأیید فرضیه دوم)؛ زیرا شیوه‌های تجربه، درونی‌سازی و تفسیر دین در مردان و زنان تفاوت بنیادین دارد.

نتایج پژوهش نشان داد که تحصیلات نقش تعدیل‌کننده‌ای معنادار در رابطه میان عمل به باورهای دینی و نشاط اجتماعی دارد (تأیید فرضیه سوم). بررسی سطوح مختلف تحصیلی حاکی از آن است که میزان دینداری و عمل به باورهای دینی در افراد با تحصیلات زیر دیپلم پایین‌ترین سطح را دارد. در این گروه، اگرچه بین باور اعتقادی و نشاط اجتماعی رابطه‌ای معنادار مشاهده شد؛ اما هیچ‌یک از متغیرهای دینی توان پیش‌بینی نشاط اجتماعی را نداشتند. این امر می‌تواند ناشی از نوعی ناهماهنگی میان باور و عمل باشد؛ به گونه‌ای که برخی افراد تحت فشار اجتماعی به انجام مناسک دینی می‌پردازند، بدون آنکه درکی عمیق از مفاهیم دینی داشته باشند (رفعتی اصل و رضایی، ۱۴۰۲). با افزایش سطح تحصیلات به دیپلم، میزان دینداری نیز افزایش می‌یابد. در این سطح، دینداری به صورت منفی و معکوس و عمل به باورهای دینی به صورت مثبت و مستقیم توانستند نشاط اجتماعی را پیش‌بینی کنند. این دوره معمولاً با شکل‌گیری هویت مذهبی و اعتقادی همراه است و نوجوانان در معرض تنوع دیدگاه‌های کمتری قرار دارند و بیش از هر زمان دیگری تحت تأثیر عوامل بیرونی نظیر خانواده، مدرسه و اجتماع هستند. تعارض بین باورهای سنتی و نیازهای رشدی در این دوره می‌تواند به تأثیرگذاری متضاد دینداری و اعمال دینی بر نشاط اجتماعی منجر شود. در سطح کارشناسی، گرایشی نسبتاً کاهشی در میزان دینداری مشاهده شد. در این مقطع، تنها عمل دینی توانست نشاط اجتماعی را پیش‌بینی کند، درحالی‌که دینداری تأثیری نداشتند. ورود به دانشگاه معمولاً با افزایش استقلال فکری، گسترش دیدگاه‌ها و مواجهه با سبک‌های زندگی متنوع همراه است که ممکن است باورهای دینی را تضعیف یا بازتعریف کند. در این مرحله، عمل دینی ممکن است بیشتر در نقش عامل انسجام اجتماعی مانند مشارکت در مراسم گروهی عمل کند تا نشانه‌ای از باور عمیق.

در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، دینداری اندکی افزایش می‌یابد که می‌توان آن را در چهارچوب رویکرد کمال‌گرا تبیین کرد؛ یعنی افراد در این سطوح تحصیلی ممکن است در مسیر شکوفایی فردی و یافتن معنای عمیق‌تر زندگی، مجدداً به دین بازگردند (سوره اعلیٰ / آیات ۱-۳ و سوره طه / آیه ۵۰). بااین‌حال، در این سطوح، هیچ‌یک از متغیرهای دینی قادر به پیش‌بینی نشاط اجتماعی نیستند. این امر را می‌توان با تقویت تفکر انتقادی، کاهش وابستگی به منابع بیرونی برای معنابخشی، و تغییر در اولویت‌های ارزشی در این سطوح تحصیلی مرتبط دانست. درمجموع، یافته‌ها نشان می‌دهند که تأثیر دینداری بر نشاط اجتماعی متأثر از سطح تحصیلات است. این رابطه در سطوح میانی (به‌ویژه دیپلم) بیشترین معنا و قدرت پیش‌بینی دارد، درحالی‌که در سطوح پایین‌تر و بالاتر، اثر دینداری بر نشاط اجتماعی تضعیف یا بی‌اثر می‌شود. این نتایج حاکی از آن‌اند که تحصیلات به‌عنوان یک عامل تعدیل‌گر مهم، نقش تعیین‌کننده‌ای در کیفیت و نوع ارتباط میان دینداری و نشاط اجتماعی ایفا می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر می‌توانند در طراحی برنامه‌های روان‌شناختی و اجتماعی برای ارتقای رفاه عمومی مفید باشند. به‌علاوه، برنامه‌ریزان آموزشی می‌توانند به تنوع در تفکرات دینی توجه کنند. حضور در اجتماعات دینی و حمایت معنوی، به‌ویژه برای زنان، می‌تواند به افزایش نشاط اجتماعی کمک کند. بااین‌حال، این پژوهش محدود به مسلمانان ایرانی است و نتایج ممکن است در جوامع دیگر متفاوت باشد. همچنین، به دلیل استفاده از پرسش‌نامه‌ها، احتمال سوگیری در نتایج وجود دارد. روش نمونه‌گیری در دسترس و عدم کنترل متغیرهای زمینه‌ای (مانند وضعیت اقتصادی، قومیت) ممکن است بر تعمیم‌پذیری اثر بگذارد. در پژوهش‌های آینده لازم است سازوکارهای روان‌شناختی و اجتماعی رابطه بین اعمال دینی و نشاط اجتماعی (مانند: آرامش، حمایت اجتماعی و حس تعلق) مورد مطالعه قرار گیرد. همچنین، تحلیل تفاوت‌های جنسیتی در تجربه دینداری و تأثیر آن بر نشاط، به‌ویژه تضاد میان باور و عمل در مردان، از اهمیت برخوردار است. ازسوی دیگر، پیشنهاد می‌شود رابطه تحصیلات با دینداری و نشاط در گذر زمان، خصوصاً در دوره‌های گذار تحصیلی، بررسی شود. مفهوم نشاط معنوی نیز به‌عنوان شکلی خاص از تجربه دینی نیازمند ابزار سنجش دقیق

و مقایسه با نشاط مادی است. افزون‌براین، مطالعه تعامل عوامل کلان اجتماعی و فرهنگی با نقش دینداری در ایجاد نشاط، به‌ویژه با توجه به تفاوت سطوح تحصیلی، از دیگر اولویت‌هاست. از لحاظ کاربردی می‌توان بر تبدیل باور به عمل دینی از طریق سیاست‌گذاری فرهنگی تأکید نمود. ترویج مشارکت در مراسم مذهبی جمعی به‌جای تمرکز صرف بر اعتقادات، و طراحی برنامه‌های متناسب با جنسیت، مانند گروه‌های حمایتی برای زنان و طرح‌های عملیاتی برای مردان، پیشنهاد شده است. نظام آموزشی باید با گنجاندن مهارت‌های معنوی‌یابی و ایجاد فضاهای گفت‌وگوی دینی، به انسجام باور و عمل کمک کند. همچنین، طراحی مداخلات روان‌اجتماعی برای گروه‌های آسیب‌پذیر از نظر تحصیلات و باورهای دینی، و ارائه مشاوره دین‌محور برای کاهش احساس گناه ناشی از عدم عمل دینی، ضروری است. رسانه‌ها و نهادهای مذهبی نیز باید با برجسته‌سازی تجربیات عینی نشاط‌آور دینی و بازتعریف نقش‌های جنسیتی، پیام‌های خود را با واقعیت‌های اجتماعی هماهنگ سازند. درنهایت، این پژوهش نشان می‌دهد که رابطه پیچیده‌ای بین باورهای دینی، عمل به آن‌ها و نشاط اجتماعی وجود دارد. عمل دینی، نه صرف باور، با فراهم‌کردن حمایت اجتماعی و احساس معنای زندگی، به‌طور مستقیم باعث افزایش نشاط اجتماعی می‌شود، درحالی‌که باورهای دینی به‌طور غیرمستقیم و به‌ویژه تحت‌تأثیر عوامل مانند جنسیت و تحصیلات می‌توانند بر نشاط اجتماعی تأثیر بگذارند، تفاوت‌های فردی در تجربیات دینی و اجتماعی بر شدت این تأثیرات نقش مهمی دارند؛ بنابراین، طراحی برنامه‌های ارتقای نشاط باید مشارکت فعال در مناسک دینی را ترویج دهد، با سطح تحصیلات سازگار باشد، و تفاوت‌های جنسیتی در تجربه دینداری را لحاظ کند.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابطحی، سیدمحمدحسین و رجبی، ابوذر (۱۴۰۳). ارزیابی دیدگاه دنیل دنت درباره ماهیت دین و روند تکاملی آن در کتاب شکستن طلسم، براساس آموزه‌های اسلامی آموزه‌های اسلامی. /اندیشه نوین دینی، ۲۰(۷۷)، ۴۳-۶۵.

چلبی، مسعود (۱۳۸۳). چهارچوب مفهومی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان. تهران: طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

حسن‌زاده موروثی، بتول؛ نوابخش، مهرداد و ادهمی، عبدالرضا (۱۴۰۲). نقش سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی بر شادمانی و جلوگیری از فروپاشی خانواده. *خانواده درمانی کاربردی*، ۴(۴)، ۴۸۹-۵۰۴.

دلاور، علی (۱۴۰۲). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. ویراست پنجم، تهران: ویرایش.

رفعتی اصل، سیدمهدی و رضایی، صادق (۱۴۰۲). شناسایی عوامل اجتماعی - تربیتی مؤثر بر تمایل دانش‌آموزان به حضور در مسجد بر اساس طرح شهید بهنام محمدی. *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۳۱(۶۰)، ۱۴۷-۱۸۰.

زارع، حسین و امین‌پور، حسن (۱۳۹۰). *آزمون‌های روان‌شناختی*. تهران: آبیژ. زکی، محمدعلی (۱۴۰۰). فراترکیب پژوهش شبکه‌های اجتماعی مجازی در ایران (کلیه مقالات مجلات علمی پژوهشی طی سال‌های ۱۳۸۸ تا دی‌ماه ۱۳۹۷). *مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*، ۳(۳)، ۶۳-۸۳.

سراج‌زاده، سیدحسین؛ جامه شورانی، مریم و محمدی، فرشاد (۱۳۹۵). دین و شادمانی: مطالعه رابطه دینداری با احساس شادمانی در نمونه‌ای از دانشجویان. *علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۱۳(۱)، ۲۷-۴۸.

سلطانی بهرام، سعید و قاسم‌زاده، داود (۱۴۰۰). تبیین جامعه‌شناختی شادی جوانان بر اساس عوامل سرمایه‌ای و غیرسرمایه‌ای، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۲(۴۸)، ۶۵-۱۰۳.

شاگشتاسبی، مولود و حسن‌زاده نیری، محمدحسن (۱۴۰۲). شادی و خوشبختی در متن‌های باستانی ایران. *کهن‌نامه ادب پارسی*، ۱۴(۲)، ۱۵۹-۱۹۶.

صادقی یارنندی، محسن؛ قاسمی، محمد و غنجال، علی (۱۴۰۱). بررسی ارتباط بین بار کاری

ذهنی، استرس شغلی و عوامل جمعیت‌شناختی با شیوع اختلالات اسکلتی - عضلانی و ناتوانی‌های ناشی از آن در کارکنان حفاظت پرواز. *طب نظامی*، ۲۳(۱)، ۵۷-۴۶.

طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۸). *سنن النبی*. ترجمه حسین استادولی، تهران: پیام بهاران.

عبدی، صلاح‌الدین و محمدی، سمیه (۱۴۰۳). بررسی رابطه الگوی ارزشی دین و ساختارشناختی احساس. *پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن*، ۱۳(۱)، ۱-۱۶.

کفیلیان یزدی، علی (۲۰۲۴). بررسی رابطه دین و روانشناسی دین با روان درمانی، سلامت روان، روانشناسی مثبت‌نگر، تربیت کودکان و خانواده. همایش توسعه مهندسی، ۱(۳).

<https://pubs.bcnf.ir/index.php/Articles/article/view/103>

فرشادفر، احمد (۱۳۹۹). رابطه دینداری، نگرش و جهت‌گیری مذهبی با شادکامی در جامعه ایران (مطالعه مروری). *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۶(۱۳)، ۱۱۹-۱۰۷.

http://journals.ueae.ir/article_24.html?lang=fa

فرهمند، مهناز و شریفی‌نیا، زهرا (۱۴۰۲). عوامل اجتماعی مرتبط با خودشیء‌انگاری دختران در باشگاه‌های ورزشی شهر کرمان. *تداوم و تغییر اجتماعی*، ۲(۲)، ۲۸۷-۳۰۵.

کميجانی، داوود (۱۴۰۲). نقش و کارکردهای معنویت در مدیریت بحران‌های فردی و اجتماعی. *علوم حیات و عرصه‌های نوپدید*، ۱۱(۱)، ۹۳-۱۱۸.

کوزر، لوئیس آلفرد (۱۴۰۰). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن طلاسی، تهران: نشر علمی.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۹۸). *بحارالانوار*. لبنان: دار الاحیاء التراث العربی.

مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۴۰۱). *آموزش عقاید*. ج ۱، تهران: چاپ و نشر بین‌الملل.

نیازی، محسن؛ فرهادیان، علی؛ رضائی، الهام و آب شیرین، شکوفه (۱۴۰۲). تدوین الگوی یکپارچه سبک زندگی نشاط محور با اتکا به نظریه داده بنیاد. *فصلنامه علمی مطالعات راهبردی فرهنگ*، ۳(۳)، ۹۷-۱۲۱.

همیلتون، ملکم (۱۴۰۰). *جامعه‌شناسی دین*. ترجمه محسن طلاسی، تهران: ثلاث.

یکانی زاد، امیر؛ سلیمان‌نژاد، اکبر؛ حاجی‌زاده، نوریه و منطری، مریم (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش مثبت اندیشی با تأکید بر آموزه‌های دینی بر شاد زیستی و بهزیستی روان‌شناختی دانش آموزان. *فصلنامه مهارت‌های روانشناسی تربیتی*، ۱۳(۳)، ۷۳-۸۹.

Amiruddin, A.; Qorib, M. & Zailani, Z. (2021). A study of the role of Islamic spirituality in happiness of Muslim citizens. *HTS Theologiese Studies/Theological Studies*, 77(4), 1-5.

Aslam, A. & Ali, M. & Ghouse, G. (2024). Are religion and happiness on the

- same side? *Quality & Quantity*, 58(6), 2837–2854.
- Brakus, J. J.; Chen, W.; Schmitt, B. H. & Zarantonello, L. (2022). Experiences and happiness: The role of gender. *Psychology & Marketing*, 39(8), 1646–1659.
- Etengoff, C. & Lefevor, G. T. (2021). Sexual prejudice, sexism, and religion. *Current Opinion in Psychology*, (40), 45–50.
- Glock, C. & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
- Glock, C. Y. & Stark, R. (1965). *Religion and society in tension*. Rand McNally.
- Hapsari, P. & Darodjat (2024). Correlation Between Islamic Religiosity and Mental Well-Being in Students in the Perspective of Achieving Sustainable Development Goals (SDGs). *Profetika: Jurnal Studi Islam*, 25(2), 363–374.
- Veenhoven, R. (2019). *World Database of Happiness*. Erasmus University Rotterdam.
- Wandik, Y.; Dina, D.; Guntoro, T. S.; Sutoro, S.; Wambrauw, O. O. O.; Abidjulu, F. C. ., ... Putra, M. F. P. (2024). Interrelación de fortaleza mental, religiosidad y felicidad de deportistas adolescentes de élite según género, tipo de deporte y nivel de educación (Interrelation of mental toughness, religiosity, and happiness of elite adolescent athletes based on gender. type of sport, and level of education). *Retos*, (56), 981–989.
- Zagonari, F. (2024). Both religious and secular ethics to achieve both happiness and health: Panel data results based on a dynamic theoretical model. *PLoS ONE*, 19(4), e0301905.

References

- Quran. (n.d.). Al-Quran Al-Kareem. Qom: The Noble Quran. (In Persian)
- Abdii, S. & Mohammadi, S. (2024). Relationship between religious value patterns and cognitive structure of emotion. *Pazhooesh-haye Zabanshenakhti-e Quran*, 13(1), 1–16. (In Persian)
- Abtahi, S. M. H. & Rajabi, A. (2024). Evaluation of Daniel Dennett's view on the nature of religion and its evolutionary process in "Breaking the Spell" based on Islamic teachings. *Andishe-ye Novin-e Dini*, 20(77), 43–65. (In Persian)
- Amiruddin, A., Qorib, M. & Zailani, Z. (2021). A study of the role of Islamic spirituality in happiness of Muslim citizens. *HTS Theologiese Studies/Theological Studies*, 77(4), 1–5.
- Aslam, A. & Ali, M. & Ghouse, G. (2024). Are religion and happiness on the same side? *Quality & Quantity*, 58(6), 2837–2854.
- Brakus, J. J., Chen, W., Schmitt, B. H. & Zarantonello, L. (2022). Experiences and happiness: The role of gender. *Psychology & Marketing*, 39(8), 1646–1659.
- Chalabi, M. (2004). Conceptual framework for surveying Iranian values and attitudes. Ministry of Culture and Islamic Guidance. (In Persian)

- Delavar, A. (2023). Research methods in psychology and educational sciences (5th ed.). Virayesh Publications. (In Persian)
- Etengoff, C. & Lefevor, G. T. (2021). Sexual prejudice, sexism, and religion. *Current Opinion in Psychology*, (40), 45–50.
- Farahmand, M., & Sharifinia, Z. (2023). Social factors related to self-objectification of girls in sports clubs. *Tadavom va Taghir-e Ejtemai*, 2(2), 287–305. (In Persian)
- Farshadfar, A. (2020). Relationship of religiosity, attitudes, and religious orientation with happiness in Iranian society. *Islam va Pazhoohesh-haye Ravanshenakhti*, 6(13), 107–119. (In Persian)
- Glock, C. & Stark, R. (1965). *Religion and Society in Tension*. Chicago: Rand McNally.
- Glock, C. Y., & Stark, R. (1965). Religion and society in tension. Rand McNally.
- Hamilton, M. (2021). Sociology of religion (M. Talasi, Trans., 9th ed.). Salas Publications. (Original work published 1995). (In Persian)
- Hapsari, P. & Darodjat (2024). Correlation Between Islamic Religiosity and Mental Well-Being in Students in the Perspective of Achieving Sustainable Development Goals (SDGs). *Profetika: Jurnal Studi Islam*, 25(2), 363–374.
- Hasan Zadeh Morooi, B., Navabakhsh, M., & Adhami, A. (2023). The role of social capital and quality of life in happiness and preventing family breakdown. *Ameli Family Therapy*, 4(4), 489–504. (In Persian)
- Kafiliyan Yazdi, A. (2024). Relationship of religion and psychology of religion with psychotherapy, mental health, positive psychology, child rearing and family. *Proceedings of the Conference on Development Engineering*, 1(3), 1–15. (In Persian)
- Kamijani, D. (2023). Role and functions of spirituality in managing individual and social crises. *Novel Life Sciences and Emerging Fields*, 1(1), 93–118. (In Persian)
- Kozaer, L. (2021). Life and thought of great sociologists (M. Talasi, Trans.). Elmi Publications. (Original work published 1977). (In Persian)
- Majlisi, M. B. (2019). Oceans of light. Dar Al-Ehya Al-Torath Al-Arabi. (In Persian)
- Mesbah Yazdi, M. T. (2022). Teaching beliefs (Vol. 1). Chap-o Nashr-e Beynolmelal. (In Persian)
- Rafati Asl, S. M., & Rezaei, S. (2023). Identifying socio-educational factors affecting students' inclination to attend mosques based on the Shahid Bahnam Mohammadi plan. *Pazhoohesh dar Masael-e Tarbiyat-e Eslami*, 31(60), 147–180. (In Persian)
- Sadeghi Yarandi, M., Ghasemi, M., & Ghanjal, A. (2022). Relationship between mental workload, job stress, demographic factors, and musculoskeletal disorders. *Journal of Military Medicine*, 23(1), 46–57. (In Persian)
- Serajzadeh, S. H., Jamehshourani, M., & Mohammadi, F. (2016). Religion and happiness: A study of the relationship between religiosity and happiness among students. *Social Sciences of Ferdowsi University of Mashhad*, 13(1), 27–48. (In Persian)
- Shaghashtasbi, M., & Hassan Zade Niri, M. H. (2023). Happiness in ancient

- Iranian texts. *Kohan-Name-ye Adab-e Parsi*, 14(2), 159–196. (In Persian)
- Soltani Bahram, S., & Ghasemzadeh, D. (2021). Sociological explanation of youth happiness based on capital and non-capital factors. *Social Welfare Development and Planning*, 12(48), 65–103. (In Persian)
- Tabatabai, M. H. (2019). *Sunnah of the Prophet* (H. Ostadvali, Trans.). Payam-e Baharan. (In Persian)
- Veenhoven, R. (2019). *World Database of Happiness*. Erasmus University Rotterdam.
- Wandik, Y.; Dina, D.; Guntoro, T. S.; Sutoro, S.; Wambrauw, O. O. O.; Abidjulu, F. C. ., ... Putra, M. F. P. (2024). Interrelación de fortaleza mental, religiosidad y felicidad de deportistas adolescentes de élite según género, tipo de deporte y nivel de educación (Interrelation of mental toughness, religiosity, and happiness of elite adolescent athletes based on gender. type of sport, and level of education). *Retos*, (56), 981–989.
- Yamini, M., Farhadin, A., Rezaei, E., & Abshirin, S. (2023). Developing an integrated model of happiness-oriented lifestyle. *Strategic Cultural Studies*, 3(3), 97–121. (In Persian)
- Yekanizad, A., Soleiman Nejad, A., Haji Zadeh, N., & Manzari, M. (2022). Effectiveness of positive thinking training with emphasis on religious teachings on students' happiness. *Psychological Educational Skills*, 13(3), 73–89. (In Persian)
- Zagonari, F. (2024). Both religious and secular ethics to achieve both happiness and health: Panel data results based on a dynamic theoretical model. *PLoS ONE*, 19(4), e0301905.
- Zaki, M. A. (2021). Meta-synthesis of virtual social network research in Iran. *Motaleat-e Karbordi dar Oloum-e Ejtemai va Jameeshenasi*, 3(3), 63–83. (In Persian)
- Zare, H., & Aminpour, H. (2011). *Psychological tests*. Ayizh Publications. (In Persian)